



دفترچه اطلاعات تکمیلی

تهیه شده توسط گروه تحقیقاتی مجموعه رضوی

« حرز ابودجانہ »



فهرست محصولات

- ۱..... سند حرز ابودجانه
- ۱..... ابودجانه کیست؟
- ۲..... داستان حرز ابودجانه
- ۲..... متن حرز ابودجانه
- ۲..... تاثیر حرز برای ابودجانه



سند حرز ابودجانه

علامه مجلسی رحمته الله علیه در ابتدای روایت نوزدهم از «کتاب الذکر والدعاء» از باب سی و هشتم «باب أحرار النبی و أزواجه الطاهرات» در کتاب شریف بحار الانوار که مربوط به حرز ابودجانه است گفته‌اند:
از حرزهای مشهور که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است، حرز معروف به ابودجانه انصاری برای دفع جن و سحر می‌باشد که خود علامه آن را در برخی کتب دیده‌اند.

ابودجانه کیست؟

یکی از اصحاب بسیار خاص، خالص و فداکار پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، سماک بن خَرَشَة، ابودجانه انصاری است. امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده‌اند: در جنگ احد اصحاب رسول خدا فرارکردند تا جایی که هیچ کس بغیر از امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ابودجانه همراه با ایشان نماندند.

پیامبر به ابودجانه فرمودند: آیا همراهان و هم‌شهری‌هایت را می‌بینی که چه می‌کنند؟
عرضه داشت: بله

فرمودند: تو هم به آنها ملحق شو!

گفت: با خدا بیعت نکردم که اینگونه عمل کنم.

پیامبر فرمودند: بیعت از تو برداشته شد!

عرضه داشت: هرگز مردم قریش نخواهند گفت که من شما را ترک کرده فرار کردم. می‌ایستم تا آنجا که بچشم هر آنچه برای شما اتفاق می‌افتد.

آنگاه پیامبر برای او طلب خیر کردند.

از اینجا مشخص می‌شود که ابودجانه چقدر در راه رسول خدا ثابت قدم بود.

ادامه این روایت بسیار مشهور است و ذکر آن خالی از لطف نیست:

حضرت علی علیه السلام و ابودجانه انصاری آنچنان جنگیدند که هر گروهی به پیامبر هجوم می‌آوردند را دفع می‌کردند و جنگ و جراحات زیاد شد. در اثنای جدال، شمشیر حضرت علی علیه السلام شکست و ایشان نزد پیامبر رفتند و گفتند: مرد با شمشیرش می‌جنگد و شمشیر من شکسته است. پیامبر شمشیر خودشان، ذوالفقار، را به ایشان دادند و بی وقفه با آن شمشیر از پیامبر دفاع نمودند تا گروه‌های محارب، دفع شدند. آنگاه جبرئیل بر پیامبر نازل شد و گفت: این کار و ایثار علی علیه السلام مواساتی



است در حق شما. پیامبر فرمودند: علی از من و من از علی هستم. جبرئیل گفت: من هم از شما دو نفر هستم. آنگاه شنیدند منادی از آسمان ندا داد: «لا سیف الا ذوالفقار ولا فتی الا علی»^۱

داستان حرز ابودجانہ

داستان این حرز طبق روایت به صورت زیر می باشد:

جناب ابودجانہ رضی اللہ عنہ نقل می کند که به پیامبر شکایت کرد و گفت: پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا! در ساعتی از شب از خانه خارج شدم که ناگاه شب رونده ای به سمت من آمد و به من رسید سپس پوستش را لمس کردم گویی پوست خارپشت بود. آنگاه پیامبر رو به حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام نمودند و فرمودند: برای ابودجانہ انصاری و هرکس از امت من بعد از او که از عوارض و توابع می ترسد، بنویس! پس علی علیه السلام عرضه داشت: چه بنویسم ای رسول خدا؟ و پیامبر فرمودند بنویس ای علی؛ و آنگاه حرز را انشا نمودند.

متن حرز ابودجانہ

قسمتی از ابتدای متن حرز ابودجانہ اینگونه است:

«بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي خلق السماوات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون هذا كتاب من محمد رسول الله العربي الهاشمي المكي المدني الابطحي الامي صاحب التاج والهداية والقضيب والناقبة صاحب قول لا اله الا الله الى من طرق الدار الا طارقا يطرق بخير اما بعد فان لنا ولكم في الحق سعة فان لم يكن طارقا مولعا او داعيا مبطلا او مؤذيا مقتصما فاتركوا حملة القرآن و...»

تاثیر حرز برای ابودجانہ

پس از اتمام نگارش حرز، آن را به ابودجانہ انصاری دادند.

او حرز را وسط منزل گذاشت. پس آن موجود به ابودجانہ گفت: قسم به کسی که به محمد ﷺ آیه «قم فأنذر» را وحی کرد، ما را سوزاندی. صبح روز بعد ابودجانہ نزد پیامبر آمد و داستان را برای ایشان تعریف کرد. پس پیامبر فرمودند: حرز را بردار و آن را درون محفظه ای بگذار. پس اگر آن موجود بازگشت، حرز را در خانه قرار بده.

پس از این اتفاقات ابودجانہ گفته است: قسم به خدا هیچ ترسی برای خانواده و فرزندم ندیدم و آن موجود بازنگشت و پیامبر وفات کردند و نیازی به شکایت مجدد نشد.^۲

^۱ علل الشرائع؛ ج ۱؛ ص ۷

^۲ المجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار. مؤسسة الوفاء. ج ۹۴. ص ۲۲۰.